

تأثیر کارگاه‌های مقدماتی روش تدریس بر آگاهی، نگرش و عملکرد آموزشی مدرسين دانشگاه علوم پزشکی کرمان

عصمت نوحی* دکتر علی اکبر حق دوست* دکتر سعیده فرج زاده**

The impact of teaching methodology workshops on knowledge, attitude and practice of the medical teachers

A. Nouhi

A.A. Haghdoost

S. Farajzadeh

Abstract

Background : Teacher's familiarity with teaching methods along with medical revolutions is necessary to achieve the quality improvement in education. Two effective factors for success in application of educational content in practice domain, are knowledge and attitudes of participants in educational programs.

Objective : To detect the effectiveness of elementary teaching methodology workshops on knowledge, attitude & practice of the faculty members of Kerman university of medical sciences.

Methods : This semiexperimental study was implemented on 71 participants, selected by convenience method. The data related to the knowledge and attitudes was gathered using pre & post workshop questionnaires. A checklist was used to evaluate their practice before the workshop.

Findings: The result indicated that mean and standard deviation knowledge of pre workshop was 6.2 ± 3.7 , attitude was 14.19 ± 1.2 & practice 13.6 ± 2.2 and post workshop ones were 13.4 ± 3.9 , 18.2 ± 2.1 , & 14.12 ± 1.68 , respectively. There was a significant relationship between pre & post workshop knowledge & attitude ($P < 0.001$). There was no such a relationship in practice domain. No significant relationship was observed between attitude, knowledge variations & practice. It cannot be judged that practice variations were affected by knowledge variation during the workshops. There was a correlation coefficient between age and post workshop knowledge ($r = 0.33$ & $P < 0.03$). By increase in the age, the acquired knowledge after the end of workshop was decreased.

Conclusion : It seems that the workshop can improve the participant's knowledge & attitude, but besides educational workshop some other factors are necessary for behavioral improvement in the practice domain.

Keywords: Workshop, Teaching Methodology, Knowledge, Attitude, Practice

چکیده

زمینه : توسعه دانش و نگرش افراد شرکت کننده در برنامه‌های آموزشی یکی از عوامل تعیین کننده میزان موفقیت به کارگیری محتوای آموزش در حیطه عمل است.

هدف: مطالعه به منظور تعیین تأثیر کارگاه‌های مقدماتی روش تدریس بر آگاهی، نگرش و عملکرد اعضا هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمان انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه نیمه تجربی در سال ۱۳۷۹ بر روی ۷۱ نفر از شرکت کنندگان کارگاه‌های مقدماتی روش تدریس انجام شد که به روش نمونه‌گیری ساده انتخاب شدند. داده‌ها به وسیله پرسش‌نامه با ضریب روایی $0/76$ و $0/8$ به ترتیب برای آگاهی و نگرش و با حداقل ضریب پایایی $0/7$ ، قبل و بعد از کارگاه جمع‌آوری گردید. اطلاعات مربوط به عملکرد از طریق فهرست و آرسی خودارزیاب با روایی $0/91$ و ضریب پایایی $0/75$ قبل از کارگاه و در طول یک نیمسال تحصیلی بعد از کارگاه کسب و با استفاده از آزمون‌های پارامتریک و غیرپارامتریک تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: میانگین نمره آگاهی قبل از کارگاه $6/2 \pm 3/7$ و نمره نگرش و عملکرد بر مبنای بیست به ترتیب $14/19 \pm 1/2$ و $13/6 \pm 2/2$ بود. این میانگین بعد از کارگاه برای دانش $13/4 \pm 3/9$ ، نگرش $18/2 \pm 2/1$ و عملکرد $14/12 \pm 1/68$ بود. بین نمره آگاهی و نگرش قبل و بعد از کارگاه ارتباط معنی دار آماری وجود داشت ($P < 0/001$). ولی بین نمره عملکرد قبل و بعد از کارگاه رابطه آماری مشاهده نشد. همچنین بین تغییرات نمره آگاهی و نگرش با عملکرد ارتباط معنی‌داری وجود نداشت. با افزایش سن دانش کسب شده در انتهای کارگاه کمتر می‌شد ($r = -0/33$ و $P < 0/03$).

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد کارگاه‌های موجود می‌توانند دانش شرکت کنندگان را افزایش و نگرش آنها را ارتقاء دهد، ولی توسعه رفتار در حیطه عملکرد علاوه بر کارگاه آموزشی به عوامل دیگری وابسته است.

کلیدواژه‌ها: کارگاه آموزشی، روش تدریس، آگاهی، نگرش، عملکرد

* مربی و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمان
** استادیار دانشگاه علوم پزشکی کرمان

□ مقدمه:

با در نظر گرفتن ماهیت پویای علوم به ویژه تحول سریع دانش پزشکی باید اذعان داشت که دیدگاه‌های موجود در آموزش پزشکی نیز دچار تغییر و تحول شده است و فن آموزش پزشکی نیز در حال تحول و توسعه دائمی است. (۶) تربیت مدرسین، توسعه منابع آموزش مداوم و ارزیابی و بازنگری برنامه‌های آموزشی، از اهداف مراکز توسعه آموزش پزشکی در سطح جهانی است. جهت نیل به این اهداف و آشنایی مدرسین با تحولات آموزشی، در سال‌های اخیر کارگاه‌های آموزشی روش تدریس توسط مراکز توسعه آموزش پزشکی برگزار می‌شود.

ارزیابی اثربخشی این کارگاه‌ها از طریق تعیین آگاهی، نگرش و عملکرد شرکت کنندگان امری ضروری است و یکی از عوامل تعیین کننده کیفیت آموزش و میزان موفقیت در به کارگیری محتوای آموزشی در حیطه عمل محسوب می‌شود. (۹، ۱۰) مقاومت در مقابل تحولات آموزش ریشه عمیقی در فرهنگ دانشگاهی دارد. (۳) علل مقاومت اعضای هیأت علمی توسط رهبر به نقل از گاف بررسی شد از جمله این که اعضای هیأت علمی به تقویت دانش و بنیه علمی خود بیشتر از بین بردن اشکالات در امر تدریس اهمیت می‌دهند؛ دیگر این که می‌ترسند نقاط ضعف آنها در امر تدریس در جریان کارگاه آشکار و در نتیجه از اعتبار آموزشی آنها کاسته شود و همچنین بسیاری از افراد شرکت در کارگاه آموزشی را اتلاف وقت می‌دانند. (۸) رهبر می‌نویسد: اعضای هیأت علمی تنها با توجه به سوابق علمی، تجربه و مهارت در رشته‌های تخصصی استخدام می‌شوند و داشتن مطالعات و تحصیلات رسمی در زمینه تدریس در بین

این گروه بیشتر جنبه استثناء دارد تا قانون و این کمبود منجر به کاهش بازده آموزشی در دانشگاه می‌شود. لذا آماده کردن اعضای هیأت علمی برای آموزش و تدریس اصلی‌ترین محرک راه اندازی مراکز گسترش آموزش پزشکی است و این مراکز باید تک تک اعضای هیأت علمی را با دیدگاه‌ها، روش‌ها و نوآوری‌های موجود در آموزش پزشکی آشنا نمایند. (۳) از آنجا که مجریان آموزش روش تدریس با فراگیران دارای سابقه علمی و با تجربه، هم در رشته تخصصی خود و هم در امر تدریس مواجه هستند، برای حصول به اهداف آموزشی باید توانایی موجود علمی تعلیم و تربیت، نگرش، روش‌های یادگیری و وضعیت روانی-اجتماعی این شرکت کنندگان را مدنظر قرار دهند. موفقیت یک کارگاه تا حد بسیار زیادی به برنامه ریزی و تدارکات آن بستگی دارد. (۹) کار برنامه ریزی آموزشی فقط به طرح روی کاغذ و تصویب مقام‌های مسئول محدود نمی‌شود. برای این که برنامه کاربرد بیشتری داشته باشد باید جنبه‌های عملی تر آن را سنجید. خصوصیات دیگر برنامه آموزشی این است که به آینده توجه دارد، پایه کار خود را برگزیده می‌گذارد و از آمار به منظور تعیین ملاک‌ها و ضابطه‌های لازم استفاده می‌کند. (۵، ۲)

این مطالعه به منظور تعیین تأثیر کارگاه‌های مقدماتی روش تدریس بر آگاهی، نگرش و عملکرد اعضا هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمان انجام شد.

□ مواد و روش‌ها:

این مطالعه نیمه تجربی در سال ۱۳۷۹ بر روی ۷۱

عملکرد $r=0/96$ محاسبه شد.

ثبات درونی پرسش‌نامه با اندازه‌گیری ضریب آلفا کرونباخ برای دانش $\alpha=0/84$ ، برای نگرش $\alpha=0/66$ و برای عملکرد $\alpha=0/85$ تعیین گردید. اطلاعات با نرم‌افزار Epi6 و با استفاده از جداول فراوانی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی بیان شد و با استفاده از آزمون‌های پارامتریک (تی، آنالیز واریانس یکسره، رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون) و آزمون‌های غیرپارامتریک (کروسکال والیس و کای دو) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

□ یافته‌ها :

۶۳/۵ درصد افراد مورد مطالعه در گروه سنی ۲۶ تا ۳۹ سال و ۳۶/۵ درصد در گروه سنی ۴۰ تا ۵۴ سال قرار داشتند. ۳۸ درصد زن و ۶۲ درصد مرد بودند. ۶۶/۲ درصد افراد مورد مطالعه در سطح تحصیلی دکترا، ۱/۴ درصد فوق تخصص، ۲۲/۵ درصد کارشناسی ارشد و ۹/۹ درصد کارشناس بودند. میانگین نمره آگاهی شرکت‌کنندگان قبل از کارگاه $6/02 \pm 3/7$ و بعد از کارگاه $13/43 \pm 3/9$ بود که این اختلاف از نظر آماری معنی‌دار بود ($P < 0/001$) (جدول شماره ۱).

بیشترین نمره نگرش مثبت قبل از کارگاه (۹۴/۴ درصد) مربوط به «لزوم و تأثیر استفاده از تجربه مدرسان برای رفع نواقص آموزشی» و بیشترین نمره نگرش مثبت بعد از کارگاه (۱۰۰ درصد) مربوط به «لزوم به‌کارگیری اصول تعلیم و تربیت در رشد کیفی آموزش» بود.

بیشترین نمره عملکرد قبل از کارگاه (۴۳/۶ درصد) مربوط به «بیان صریح و کافی در مورد مطالب

نفر از شرکت‌کنندگان کارگاه‌های مقدماتی روش تدریس دانشگاه علوم پزشکی کرمان انجام شد و نمونه‌گیری به روش ساده بود. برای تعیین سطح آگاهی و نگرش اعضاء هیأت علمی نسبت به آموزش شیوه‌های تدریس از پرسش‌نامه و برای بررسی عملکرد از فهرست واریسی خود ارزیاب استفاده شد. بررسی اثربخشی کارگاه‌های مقدماتی روش تدریس از طریق مقایسه میزان آگاهی، نگرش و عملکرد شرکت‌کنندگان قبل و بعد از کارگاه انجام شد. پرسش‌نامه متشکل از چهار بخش بود: بخش اول ویژگی‌های فردی، بخش دوم گویه‌های سنجش نگرش، بخش سوم سؤالات دانش و بخش چهارم سؤالات خودارزیاب. عبارات سنجش نگرش بر اساس مقیاس لیکرت (کاملاً موافق، موافق، نه موافق نه مخالف، مخالف و کاملاً مخالف) طرح شد. امتیاز پاسخ‌ها بر اساس بار سؤالات و جمع موارد (کاملاً موافق و موافق، کاملاً مخالف و مخالف) از ۳ تا ۱۱ منظور گردید. همچنین ۱۸ سؤال عینی به صورت چهارگزینه‌ای، صحیح - غلط و جورکردنی برای سنجش دانش تنظیم شد. برای پاسخ‌های غلط امتیاز صفر و برای پاسخ‌های صحیح امتیاز یک در نظر گرفته شد. به این ترتیب امتیاز دانش از حداقل صفر تا حداکثر ۱۸ بود که در نهایت بر مبنای بیست آنالیز گردید. عملکرد افراد با استفاده از فرم خودارزیاب حاوی ۱۵ ویژگی که بر اساس مقیاس چهار درجه‌ای (همیشه، گاهی اوقات، هرگز و موردی ندارد) از حداقل نمره ۱۵ تا حداکثر نمره ۶۰ مورد بررسی قرار گرفت.

روایی پرسش‌نامه‌ها با روش روایی محتوا و نظرخواهی از صاحب نظران به روش دلفی تعیین شد که برای دانش $r=0/85$ و برای نگرش $r=0/9$ و برای

جدول ۱:

میانگین نمره آگاهی، نگرش و عملکرد افراد مورد مطالعه قبل و بعد از دوره

تحلیل آماری	بیشترین	کمترین	انحراف معیار \pm میانگین	حیطه	
$t=17/28$ $P<0/001$	۱۵/۸	۰	$6/02 \pm 3/66$	قبل	دانش
	۱۷/۸	۰	$13/43 \pm 3/89$	بعد	
$t=12/25$ $P<0/001$	۱۵	۱۱	$14/19 \pm 1/21$	قبل	نگرش
	۲۰	۱۰	$18/62 \pm 2/11$	بعد	
$t=1/36$ $P<0/62$	۱۶	۸	$13/6 \pm 2/2$	قبل	عملکرد
	۱۶	۹	$14/12 \pm 1/68$	بعد	

بین تغییرات آگاهی و نگرش رابطه معنی دار آماری وجود نداشت. بر این اساس نمی‌توان قضاوت کرد که تغییرات نگرش متأثر از تغییرات آگاهی در طول کارگاه بوده است. برخلاف نتایج تحقیق گاف در مورد مقاومت اعضاء هیأت علمی نسبت به تحول‌های آموزشی^(۸)، در مطالعه حاضر از ابتدای کارگاه نگرش نسبتاً مثبتی در شرکت‌کنندگان نسبت به آشنایی با اصول تدریس و تحول‌های آموزش وجود داشت که می‌تواند در اثربخشی کارگاه و علاقه‌مندی به یادگیری فنون تدریس نقش مؤثری داشته باشد.

توسعه آگاهی و نگرش مثبت از عوامل اصلی موفقیت در حیطه روانی- حرکتی یا عملکردی است. اگر چه در این مطالعه متوسط نمره عملکرد بعد از کارگاه افزایش داشت، ولی این تغییرات از نظر آماری معنی دار نبود. لذا می‌توان گفت عملکرد جامعه مورد تحقیق علاوه بر آگاهی و نگرش تحت تأثیر عوامل قابل بررسی دیگری بوده است. نتایج تحقیق مک‌درموت در مورد تأثیر کارگاه آموزشی یادگیری بر مبنای حل مسأله (PBL) بر روی ۸۸ عضو هیأت علمی دانشگاه هاوایی نشان دهنده تفاوت معنی دار در آگاهی و عملکرد شرکت‌کنندگان قبل و بعد از کارگاه بوده

درسی و کمترین نمره مربوط به «مطلع ساختن یادگیرنده از برنامه درسی» بود. بیشترین نمره عملکرد بعد از کارگاه (۷۰/۴ درصد) مربوط به «تقسیم دقیق فعالیت‌های یادگیری بر حسب زمان» و کمترین نمره مربوط به «کمک به یادگیرنده در تبادل نظر» بود.

بین تغییرات آگاهی و تغییرات نگرش ضریب همبستگی $r = -0/05$ محاسبه شد که از نظر آماری معنی دار نبود. بین متغیر جنس و مرتبه دانشگاهی با آگاهی و نگرش شرکت‌کنندگان در ابتدا و انتهای کارگاه در هیچ یک از موارد تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. ولی بین سن با آگاهی بعد از کارگاه ارتباط معنی دار آماری مشاهده شد ($r = 0/33$ و $P < 0/03$).

بحث و نتیجه‌گیری:

یافته‌های تحقیق نشان دهنده تأثیر مثبت کارگاه‌ها بر آگاهی، نگرش و عملکرد شرکت‌کنندگان بود، به طوری که متوسط نمرات بعد از کارگاه در هر سه حیطه افزایش یافت. یافته‌ها بیانگر رابطه معنی‌دار آماری بین نمرات آگاهی و نگرش قبل و بعد از کارگاه بود، ولی یافته‌های آماری تفاوت عملکرد قبل و بعد از کارگاه‌های آموزشی را نشان نداد.

- شانزدهم، شماره ۱ و ۲، ۱۳۷۲، ۲۳-۹
- ۳- رهبر نصرالله. راه اندازی و اداره یک مرکز گسترش آموزش، شرح وظایف و روش مدیریت. آموزش مداوم پزشکی، شماره ۵، ۱۳۷۱
- ۴- سامیلانسکی فولی ریچارد. روش‌های تدریس در علوم پزشکی. ترجمه میترا احمدسلطانی و نصرالله رهبر، تهران، کیهان، ۱۳۷۳
- ۵- فرجاد محمد علی. اصول برنامه ریزی آموزش و درسی. چاپ اول، تهران، نشر الهام، ۱۳۷۴
- ۶- محقق محمد علی. بررسی کیفیت آموزش دستیاری رشته‌های داخلی. مجله آموزش مداوم در پزشکی، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۷۲، ۱۶-۳
7. Abat FR. *Teaching for better learning*. WHO, Geneva, 1992
8. Gaff G. *Overcoming faculty resistance*. *New directions for higher Education*. 1978; 24: 59-71
9. Gilbert J. *Educational hand book for health personel*. WHO, Geneva, 1981
10. Jenifer M, Haidlow H, Morrio M. *WHO saying continuing education can't change behavior*. *Med Educ* 1991; 25 (2): 165
11. Machese Ted. *TQM Reaches the Academy*. *American Association of Higher Education* 1991; 44 (3): 3-9
12. Mcdermott Jf, Anderson As. *Retraining faculty for the problem based curriculum at the university of Hawaii 1989-1991*. *Medical Acad* 1991 Dec; 66 (12): 778-90
13. Nalon j. *Continuing professional education the characterrist and effective system*. *JAMA* 1995; 551-66

است. (۱۲) تفاوت نتایج در زمینه عملکرد، احتمالاً به دلیل تفاوت در موقعیت، امکانات و سایر شرایط اجرای عملی است.

در این تحقیق بین سن و آگاهی بعد از کارگاه ارتباط معنی‌داری وجود داشت، به طوری که با افزایش سن میزان دانش کسب شده در انتهای کارگاه کمتر بود، لذا به نظر می‌رسد با افزایش سن دریافت اطلاعات جدید در زمینه آموزش کمتر می‌شود. افرادی که برنامه آموزش مداوم را دنبال می‌کنند سوابق آموزشی متفاوتی دارند و شرایط حرفه‌ای و محلی آنان گوناگون است، لذا نیازهای آموزشی آنها نیز متفاوت است. (۱۳) بنابراین پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی در ابتدای پذیرش اعضا هیأت علمی برگزار شود و مدرسین به صورت مستمر با تازه‌های تدریس و آموزش آشنا شوند. همچنین وجود ارتباط معنی دار بین نوبت کارگاه با آگاهی بعد از کارگاه نشان دهنده آن است که آموزش در کارگاه‌های اخیر مؤثرتر بوده است. این امر می‌تواند به دلیل کسب تجربه آموزشی، برنامه ریزی دقیق‌تر به دنبال برگزاری چندین کارگاه آموزشی و رفع نواقص حاصل از ارزشیابی جریان کارگاه باشد. در مجموع به نظر می‌رسد کارگاه‌های موجود می‌توانند آگاهی و نگرش شرکت‌کنندگان را ارتقاء دهند، ولی توسعه رفتار در حیطه عملکرد علاوه بر کارگاه وابسته به عوامل قابل بررسی دیگری است که می‌توان به مدیریت، آموزش، کنترل و نظارت اشاره کرد.

مراجع:

- ۱- گانیه آر ام، بریگزلی جی، ویگر والتر دبلیو. اصول طراحی آموزشی. ترجمه علی آبادی، تهران، دانا، ۱۳۷۴
- ۲- بازرگان عباس. سیستم نشان‌گر و کاربرد آن در تحلیل کارآیی دانشگاهی. مجله علوم تربیتی، سال